



از دوج با غیر مسلم

حقوق بین الملل خصوصی اسلام برای ما تقریباً تاریک و ناشناخته است، با این استدلال که امروزه در حقوق ما «تابعیت» نقش «مذهب» در حقوق اسلام را برعهده گرفته است و دیگر مذهب عامل مشخص کننده‌ای روابط انسانها در برخورد دو قانون ملی نیست، تصور کرده‌اند تحقیق در این زمینه هیچگونه فایده‌ی عملی دربر ندارد و بدان صرفاً از جنبه تاریخ حقوق نگریسته‌اند. بدینگونه شناخت دقیق مقررات اسلامی در برخورد با ملل غیرمسلمان بکلی فراموش شده است حال آنکه به‌پاره‌ای از این مسائل در متن اجتماع و حقوق ما نیازی مبرم احساس می‌شود، از جمله مقررات اسلامی راجع به ازدواج با غیر مسلمانها برای خانواده‌های ایرانی مسئله‌ای شده است.

از سالها پیش مد شده بود که جوانان ایرانی که برای تحصیل به فرنگ می‌رفتند در بازگشت به‌وطن برای خانواده‌ی خود يك «عروس فرنگی» سوغات می‌آوردند و این کار باهمه‌ی معایبش نه‌تنها هنوز از مد نیافتاده‌است - بخصوص بین خانواده‌هایی که در این باب تجربه‌ندارند - بلکه دانشجویان تازه وارد ایرانی بیشتر سعی می‌کند هرچه زودتر در اروپا یا آمریکا دست به ازدواج بزنند تا هم بزودی و به‌خوبی زبان یاد بگیرند و خرج اضافی نداشته باشند و هم از شر اداره‌ی مهاجرت کشور اقامتگاه خود آسوده شوند و پروانه‌ی اقامت دائم در آن کشور بگیرند. و گویا راستی هم از جنبه اقتصادی و شخصی کار باصرفه‌ای باشد.

در اینجا ما درصدد شناخت علل اینگونه ازدواجها نیستیم و همین اندازه اشاره می‌کنیم که مشکلات اقتصادی که در سرراه ازدواج در ایران مطرح است و توقعات و انتظارات بی‌مورد و عجیب و غریبی که خانواده‌های ایرانی از داماد خود دارند، بی‌گمان از دلایل مهمی است که رغبت جوانان ایرانی را به ازدواج با بیگانگان کم توقع و کم خرج برمی‌انگیزد.

پیدااست که مقررات مجازات گونه‌ای که در قانون ما برای ازدواج با اتباع بیگانه پیش بینی شده است (یعنی منع حق انتصاب به مشاغل حساس دولتی مانند وزارت و سفارت و استانداری و ... و انتخاب به نمایندگی مجلسین و ...) گذشته از اینکه دردی را دوا نمی‌کند شاید خود موجب شود جوانان ایرانی را که شاید به‌عللی (حتی مقدس، مانند عشق و علاقه واقعی یا کسب جواز اقامت و ادامه تحصیل با حسن نیت خدمت بوطن و ...) مجبور به ازدواج شده‌اند برای همیشه از وطن براند و درحالی که از همه‌سو مبارزه‌ای پی‌گیر برای جلوگیری از فرار مغزها (که خود از مصائب بزرگ کشورهای جهان سوم است) آغاز شده است چنین مقررات بی‌بندوبار و بی‌نتیجه‌ای مانع بازگشت بسیاری از جوانان تحصیلکرده و متخصص شده

است به خصوص با توجه به اینکه در حقوق ما همسر خارجی مرد ایرانی تابع دولت ایران میباشد وجود چنین متخصص بی‌هدفی غیر ضروری به نظر می‌رسد زیرا مادام که مرد ایرانی و همسر خارجی او مقیم کشور بیگانه باشد موردی برای انتصاب باین مشاغل (جز سفارت) که لازمه اش اقامت در ایران است پیش نمی‌آید در صورت اقامت در ایران هم با توجه به اینکه زن خارجی برابر قانون ما تابعیت ایرانی خواهد داشت برای مقامات ایرانی جای هیچگونه نگرانی نیست و البته در عمل مسئولان امور می‌توانند با حد اکثر کنترل از هرگونه خیانت که احتمالاً به نفع دولت متبوع همسر خارجی صورت می‌گیرد جلوگیری کنند.

در این سالها علاوه بر پسران ایرانی که زن غیرمسلمان می‌گرفتند کمابیش دیده می‌شود که بعضی دختران ایرانی هم به مردان امریکائی و اروپائی شوهر می‌کنند با توجه باینکه بسیاری از خانواده‌های ایرانی بخصوص در مسئله ازدواج بر رعایت احکام اسلامی عنایتی دارند تحقیق در این زمینه کاری سودمند و بارور خواهد بود و در حد بر آوردن يك نیاز اجتماعی که این مقاله به همین منظور تهیه شده است.

* * *

در اسلام از نظر حقوقی مردم غیرمسلمان را به سه گروه می‌توان تقسیم کرد:

۱- گروهی که کتاب آسمانی نداشته باشند و شبهه‌ی اهل کتاب بودن هم درباره‌ی آنها پیش نیاید. اینان یا اصلا دین و مسلکی ندارند یا پرستندگان بتان و اصنام‌اند. مردان که یکی از ضروریات اسلامی را منکر باشند نیز در این گروه جای دارند.

۲- گروهی که در اهل کتاب بودندشان شبهه‌ای هست مانند قوم مجوس

(زردشتیان) و نیز صائبین.

۳- گروهی که بی گمان اهل کتاب اند چون یهود و نصاری .
در قرآن مجید هر جا نامی از اهل کتاب بمیان آورده باشند مقصود همین
یهودیان و ترسایان اند و جز این دو قوم در اهل کتاب بودن دیگر اقوام سخن
بسیار است .

اهل کتاب به که می گویند ؟

از اینهمه پیام آوران ، که بنا بروایتی تعدادشان صد و بیست و چهار هزار
بوده است - تنها چند تن کتاب یا صحیفه‌ی آسمانی داشته‌اند از جمله شیث ، ادریس ،
ابراهیم صحف داشته‌اند ، داود زبور داشته‌است ، موسی ، تورات و عیسی ، انجیل
و محمد (ص) قرآن . در باب زرتشت (پیامبر ایرانیان) سخن به اختلاف گفته‌اند
برخی او را همان ابراهیم خوانده‌اند و جمعی او را پیامبر ندانسته‌اند و به قولی هم
کتاب او « اوستا » آسمانی است و پیروانش اهل کتاب اند . با اینهمه حتی پیروان
ابراهیم و شیث و ادریس (که صحف داشته‌اند) و داود (که زبور داشته است) را
در این تقسیم‌بندی حقوقی نمی‌توان در گروه اهل کتاب ، جای داد زیرا کتب آسمانی
اینان شامل مواعظ و پند و اندرز بوده‌است نه حاوی احکام و قوانین . حال آنکه مسائل
حقوقی بدستور العمل و قواعد روشن و معین نیازمند است در قرآن مجید آیتی
است که می‌فرماید « ان الذین آمنوا والذین هادوا والصائبین و النصارى و المجوس
والذین اشرکوا ان الله یفصل بینهم یوم القیمة ان الله علی کل شیئی شهید » .

در این آیه چهار ملت یهود ، نصاری ، صائبین ، مجوس از مشرکان جدا

شمرده شده‌اند و اینک توضیحی مختصر راجع به ریک از این چهار گروه :

۱- یهود - واژه‌ی یهود از ریشه‌ی عبری یهود Yehooeh (خداوند) است

و پیروان شریعت موسی اند و کتاب آسمانی آنان تورات است.

۲- نصاری -- نصاری جمعی نصران است نه نصرانی مانند سکاری که جمع سکران باشد و تسمیدی این قوم بدین نام بدانست که عیسی مسیح در دهکده‌ی «ناصره» جنب بیت‌اللحم اردن از مادر متولد شده است .

۳- مجوس- این کلمه از ریشه مگک (مغ) در زبان پهلوی است «مگک» همان آئین زرتشتی است پیروان آئین «مگک» را آرامی‌ها «مگوس» می خوانده اند و چون این واژه به زبان تازی منتقل شده است، عربها زرتشتی را «مجوس» گفته اند. نگفته نماند که «مگوس» پیشوای دین زرتشتی یعنی «مغ» و «موید» را می گفته اند نه هر کسی را که زرتشتی باشد و در سیری که این واژه در زبانهای مختلف کرده است از معنی اصل خود انحراف یافته به معنی جدیدی تحول پیدا کرده است. زرتشت اسپتیمان پیامبر ایرانیان باستان در سده هفتم پیش از میلاد در آذربایجان متولد شده برای گسترش آئین خود به بلخ رفت و آنجا گشتاسب کیش او را پذیرفت و این آئین همچنان نشر یافت تا اینکه در عصر ساسانی مذهب رسمی ایران شد . کتاب مذهبی زردشتیان اوستا نام دارد که تقریباً هشتصد سال پس از زرتشت یعنی در زمان ساسانیان گردآوری و تدوین شده است .

۴- صائبین- صائبین کسانی را گویند که از دینی اعراض کرده و به دین دیگر روی آورده باشند. این معنی را با توجه به معنای لغوی این کلمه در زبان عربی گفته اند اما درست این است که این واژه عبری است و به معنی فرورفتن در آب و تعمید است که به همین جهت به فرقه‌ای از صائبین کلدیه «معتسله» گفته اند زیرا در آب رفتن و غسل کردن از آداب و رسوم پیروان این مذهب بوده است . در باب این قوم سخن بسیار است جمعی آنان را مشرک و بت پرست و بیشتر ستاره پرست خوانند . جمعی دیگر آنان را اهل کتاب دانند یعنی امت ابراهیم و گفته اند پیروان نوح اند یا داود.

به نظر می‌رسد آئین صائبین آمیزشی بوده است از عقاید یهودیان و مسیحیان و دیگر مذاهب اینان هیچ مذهبی را در بست قبول نداشته‌اند و بیشتر در حران می‌زیسته‌اند.

هنگامی که مأمون خلیفه‌ی عباسی بر آنها گذشت مجبورشان کرد که اسلام بیاورند و گرنه کشته می‌شوند. دانایان ایشان برای حفظ جان خود گفتند ماصائبین هستیم که نام ما در قرآن آمده است و اهل کتابیم. نتیجه این شد که اهل کتاب در حقیقت همان یهود و نصاری هستند که: ان تقولو انما انزل الکتاب علی طائفین من قبلنا^۱.

در مورد زرتشتیان اختلاف است و آراء فقهای شیعه در این باب بسیار متشتت. اگرچه از پیامبر نسبت به مجوس روایتی است که فرموده است «سنوا بهم سنة اهل الکتاب» ولی خود این روایت می‌رساند که این قوم اهل کتاب نیستند بلکه شبیه اهل کتاب‌اند و باید چون اهل کتاب با ایشان رفتار کرد با اینهمه بیشتر اهل سنت زردشتیان را اهل کتاب نمی‌دانند جز معدودی چون داود، ابو ثور، اسفراینی صائبین نیز از نظر اکثریت قریب به اتفاق، اهل کتاب به حساب نمی‌آیند و چون تقریباً پیروان این آئین از بین رفته‌اند به بحث بیشتر نیاز ندارد.

اما ازدواج با اهل کتاب

ازدواج مسلمانان با مشرکان به هیچ روی جایز نیست ولی در باب اهل کتاب هم سخنان فقیهان چندان روشن نیست و منشأ این اختلاف، اختلاف ظاهر آیات و روایات است. کسانی که قائل به تحریم نکاح مرد مسلمان با زن اهل کتاب‌اند به آیه‌ی «ولاتنکحوا المشرکات حتی يؤمنن»^۲. استناد کرده گویند نهی برای تحریم است و نیز به آیت «ولاتنکحوا المشرکات حتی يؤمنن»^۳ که گویند

(۱) سوره‌ی انعام آیه‌ی ۱۵۷ (۲) سوره‌ی بقره آیه‌ی ۲۲۱

(۳) سوره‌ی ممتحنه آیه‌ی ۱۰

زوجیت، عصمت است. می‌گویند «لاتنکوا» دلالت قطعی دارد بر اشتراط ایمان در نکاح و مشرکات اختصاص به اهل مشرک ندارد بلکه به قرینه‌ی ذیل آیه شامل تمام اقسام کفر هم می‌شود که «اولئك يدعون الى النار والله يدعو الى الجنة»^۱ چه بسا به علت این زناشوئی مرد به مذهب زن گرایش پیدا کند و «يدعون الى النار» تحقق و مصداق یابد ویژه آنکه نصاری به اقنومهای سه‌گانه (اب، ابن، روح القدس) قائل‌اند و یهود «عزیز» پسر خدا دانسته‌اند و اینها منافی توحید است در باب زردشتیان هم شیخ طوسی در خلاف ادعای اجتماع کرده است که نکاح ایشان جایز نیست اما آنانکه به جواز نکاح مرد مسلمان با زن اهل کتاب فتوی داده‌اند به این آیه استناد می‌کنند که... والمحصنات من الذین اوتوا الكتاب من قبلکم^۲ که این عبارت به «احل لکم» عطف شده است و از طرف دیگر استدلال فقیهانی را که نکاح با اهل کتاب را به دلیل «لاتنکحوا المشرکات حتی یؤمنن» منع کرده‌اند پاسخ می‌گویند که اولاً مشرکات به بت‌پرستان اطلاق می‌شود و نه اهل کتاب به دلیل «ما یود الذین کفروا من اهل الكتاب ولا المشرکین ان ینزل علیکم من خیر من ربکم» نیز آیه‌ی «لم یکن الذین کفروا من اهل الكتاب والمشرکین منفکین حتی تأتیهم البینه» که معلوم می‌شود اهل کتاب از مشرکان نیستند که جدا قید شده‌اند و بر فرض که مشرکات شامل اهل کتاب هم باشد آیه‌ی «الیوم احل لکم... والمحصنات من الذین اوتوا الكتاب من قبلکم» مخصوص آیه‌ی قبلی است و ویژه آنکه این آیه از سوره‌ی مائده یعنی آخرین سوره‌ایست که بر پیغمبر نازل شده است درست اینست که با زن مشرک نمیتوان ازدواج کرد چه مشرک باشد و چه منتحل از اهل کتاب (یعنی اهل کتابی که پیامبری را به درجه‌ی الوهیت رسانده باشد) اما همان کسانی هم که ازدواج با اهل کتاب را ابتداءً منع کرده‌اند استدامتاً جایز دانسته‌اند یعنی اگر

(۱) سوره‌ی بقره آیه‌ی ۲۲۲ (۲) سوره‌ی مائده- آیه‌ی ۷

مردی از اهل کتاب مسلمان شود و زن او بر دین خود بماند نکاح آن دو منفسخ نیست اما ازدواج با مشرک به هیچ روی جایز نیست اگر چه این مشرک، اهل کتابی باشد که از دین خود انحراف یافته به مشرک گرائیده باشد. و آیت « قالت الیهود عزیز بن الله و قالت النصارى المسيح ابن الله ذلك قولهم باقواهم بضاهون قول الذین کفروا من قبل قاتلهم الله انی یؤفکون^۱ نشانه‌ای از آنست خلاصه زن مسلمان بر مرد کافر حرام است که لاجعل الله لکافرین علی المسلمین سبیلا اما در تزویج زن اهل کتاب بر مرد مسلمان اختلاف است در سوره بقره ازدواج با مشرکات منع شده است و در سوره‌ی ممتحنه با کوافر مشرکات همان کوافرند سوره مائده پس از این دوسوره (توبه و ممتحنه) نازل شده است و مخصص حکم سابق واقع شده.

آراء فقها

تزویج زن اهل کتاب بر مرد مسلمان به فتوای سید مرتضی و شیخ طوسی (در کتاب خلاف) مطلقاً حرام است و به فتوای شیخ علی بن الحسین بن بابویه و پسرش و ابن ابی عقیل مطلقاً جایز است. شیخ طوسی در نهاییه قائل به تفکیک شده است در متعه مطلقاً جایز دانسته است در عقد دائم نیز در حال اضطرار قائل به جواز شده است ابن حمزه و ابن براج نیز همین طور فتوی داده‌اند به فتوای دیگر شیخ و نیز به قول شیخ مفید - به نقل علامه در مختلف - در ملک یمین جایز و در عقد حرام است. به قول ابی الصلاح و سلار متعه ملک یمین جایز و عقد دائم حرام است و بیشتر متأخران را نظر همین است به فتوای ابن جنید - به نقل از شیخ یوسف بحرانی در حدائق (ج ۶ ص ۱۳۱) در حال اختیار حرام و در حال اضطرار جایز است فقیهان متأخر عموماً متعه را جایز و عقد دائم را حرام دانسته‌اند مانند صاحب جواهره مرحوم آقا سید

(۱) سوره‌ی توبه آیه‌ی ۳

ابوالحسن اصفهانی در رساله‌ی علمیه‌ی و سبلة النجات فتوی داده است که «زن مسلمه نمی‌تواند به نکاح مرد کافر (چه دائم و چه بصورت انقطاع و چه به کافر اصلی و یا حربی باشد چه کتابی و چه بصورت ارتداد ملی یا فطری) دربیاید و همچنین برای مرد مسلمان ازدواج با زن کافره و با زن مرتده بهر دو قسم جایز نیست اما ازدواج مرد مسلمان با زن یهودیه و نصرانیه در جواز و منعش اقوالی است مشهورترین قول منع نکاح دائم و جواز در صورت انقطاع می‌باشد ... مجوسیه در حکم یهودیه و نصرانیه بوده ...» در مورد صائبین نظر باینکه حقیقت دینی آنها برای ما ثابت نیست نظر قطعی نمی‌توان ابراز کرد.



اراده‌های ضعیف همواره بصورت حرف و گفتار خودنمایی میکنند لیکن اراده‌های قوی جز در لباس عمل و کردار ظهور نمی‌یابد. کوشش در تبدیل شخصیت باطنی خیلی مفید تر از تغییر شرایط خارجی است.